

*Bi-Quarterly specialized-  
scholarly journal Of Quranic  
Studies Light of Revelation Vol.8,  
No. 15,  
Spring & Summer 2023  
P 5 - 36*

دو فصل نامه علمی-تخصصی  
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی  
س ۸ ش ۱۵ بهار و تابستان ۱۴۰۲  
صفحات ۵ - ۳۶

### **آسیب‌های عدم تعامل با مقدسات مذاهب بر همگرایی مسلمانان از منظر قرآن و روایات**

محمد نظیر عرفانی\* جواهر علی\*

#### **چکیده**

شیوه‌های تعامل با مقدسات ادیان و مذاهب باعث نتایج متفاوتی می‌شود همچنان که می‌تواند اتحاد امت اسلامی و ادیان الهی را منجر شود، در اثر آسیب‌هایی که برخی شیوه‌های تعامل وارد می‌سازند منجر به دوری، تفرقه و دشمنی میان ادیان اهلی و مذاهب اسلامی می‌گردد، این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به دنبال این هدف است تا آسیب‌های شیوه‌های تعامل با مقدسات ادیان و مذاهب را از منظر قرآن و روایات بررسی نماید، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که آسیب‌های فرهنگی عبارت است از فقر فرهنگی، زوال دین، از بین رفتن زمینه تبلیغ حق و... آسیب‌های اجتماعی در تعامل شامل خصومت، انحطاط جامع، زوال عزت، تکفیر، کشتار و ناامنی می‌باشد. از آسیب‌های عدم تعامل با ادیان و مذاهب این است که جامعه با وجود این سطح اختلاف به سعادت و رفاه دست نمی‌یابد. برخی از آسیب‌های اخلاقی در بحث تعامل نامناسب را می‌توان دشنام، قطع رحم، سوءظن،

---

\*. استادیار، جامعه المصطفی العالمیه، (نویسنده مسئول) Mna8181@Yahoo.Com

\*. دانش پژوه دکتری علوم حدیث، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی

العالمیه، Jawahir1252971@Gmail.Com

تهمت و تکبر دانست همچنین در متون دینی برخی از آسیب‌های معنوی و اخروی برای تعامل نامناسب برشمرده شده است که شامل محرومیت از نعمت‌های خداوند، نزول بلا و عذاب در دنیا و آخرت می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** آسیب ، تعامل ، ادیان ، مذاهب، مقدسات، تکفیر، تفرقه.

### مقدمه

در اثر عدم تعامل صحیح با مقدسات دیگر ادیان و مذاهب آسیب‌های فراوانی در ابعاد گوناگون فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و حتی اخروی گریبان گیر جوامع انسانی می‌گردد که متأسفانه در عصر کنونی شاهد رشد این گونه آسیب‌ها هستیم لذا جای دارد که به بررسی دقیق این آسیب‌ها پردازیم تا هر چه بیشتر به اهمیت تعامل با دیگر ادیان و مذاهب به‌ویژه در مقدسات پی برد و ضمن شناسایی این گونه آسیب‌ها در رفع آن بکوشیم. در این تحقیق بر آن هستیم تا از جنبه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی به آسیب‌شناسی تعامل با مقدسات دیگر ادیان و مذاهب پردازیم.

### گفتار اول: آسیب‌های فرهنگی

مهم‌ترین آسیب عدم تعامل سازنده و مفید با مقدسات ادیان و مذاهب در بُعد فرهنگی قابل مشاهده است که طیف وسیعی از آسیب‌ها را در برمی‌گیرد که برخی از آن‌ها به شرح ذیل می‌باشند.

#### ۱. فقر فرهنگی:

از جمله آثار ناشی از عدم تعامل با مقدسات ادیان و مذاهب را می‌توان به تنزل فرهنگ، اعتقادات و تبدیل آداب و سنت‌های نیک به آداب و رسوم ناپسند و نتایج آن اشاره کرد: «...فی بلاء ازل و اطباق جهل من بنات مؤؤودة...: در بلایی سخت و در جهالتی

فراگیر فرو رفته بودند. دختران را زنده به گور و بت‌ها را پرستش می‌کردند و قطع رابطه با خویشاوندان و غارتگری پیاپی در میانشان رواج یافته بودند» (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۹۲).

## ۲. زوال دین:

وحدت و تعامل سازنده میان مذاهب اسلامی لازمه بقا و پیشرفت اسلام است، پس از وفات پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، مسلمین به دو فرقه شیعه و سنی تقسیم شدند. هر یک دارای اعتقادات خاصی شدند، عده‌ای اصل امامت را جزء اصول دین دانستند و عده‌ای چنین باوری نداشتند. عده‌ای به احادیث رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پایبند شدند و عده‌ای سعی در حذف آن‌ها داشتند. همین اختلاف می‌تواند باعث نابودی اسلام باشد، هرچند که با وجود تدبیر و سیاست ظریف ائمه معصومین علیهم‌السلام هرگز چنین اتفاقی نیفتاد، اما بسیاری از عقاید دینی تحریف شد و اسلام از شکل حقیقی خود خارج شد و بیم آن می‌رود که در آتش اختلاف مذهبی، اصل مذهب از بین برود.

از سوی دیگر دشمنان اسلام با سوءاستفاده از اختلافات، عقاید نادرست و اسرائیلیات را وارد عقاید دینی مردم کردند و توانستند به این وسیله، لااقل رنگ دین را کاهش دهند. افرادی مانند کعب الاحبار، ابوهریره، جریح و... که به ظاهر اسلام آورده بودند، از هر موقعیتی برای تخریب اسلام و وارونه جلوه دادن مبادی و احکام آن استفاده می‌کردند (قربانی، ۱۳۷۶: ۴۲۵) بی‌شک اگر بین مسلمین چنین اختلافی نبود و تعامل سازنده میان مقدسات مذاهب اسلامی شکل می‌یافت، افرادی این چنین نمی‌توانستند از اختلافات سوءاستفاده کنند و اباطیل خود را به اسم دین رواج دهند.

### ۳. عدم امکان تبلیغ دین:

یکی آسیب‌های عدم تعامل بین مذاهب اسلامی در مقدسات این است که زمینه تبلیغ حق از بین می‌رود. به هنگام تبلیغ باید مخاطب رغبت به شنیدن داشته باشد، اما وقتی که خشونت و بدرفتاری پیروان حق، دل آنان را چرکین کرده، سخن هرچقدر حق باشد در دل آنان نمی‌نشیند. به دیگر بیان، تبلیغ در چنین وضعیتی یا اساساً ناممکن است و یا در صورت وقوع بی‌اثر است.

یکی از دلایلی که صهیونیسم و غرب، آتش اختلافات شیعه و سنی را می‌افروزند، این است که نگذارند ندای حق به گوش سایر مسلمانان برسد. شیعه نتواند تبلیغ معارف و عقاید خویش را انجام دهد و یا اگر توانست اندکی خود را ارایه کند، با موفقیت همراه نباشد زیرا هیچ‌وقت انسان نمی‌تواند سخن دشمن خود را به‌عنوان حرف حق پذیرا باشد. اختلاف سبب می‌شود هر گروه اسمی را برگزیند و گوش جان خود را بر سخن دیگری مسدود کند و اجازه ندهد فروع تازه و شعاع پرنور جدیدی بر او بتابد. (سجادی، ۱۳۸۶: ۷۶)

آسیب دیگر در این زمینه از بین رفتن زمینه تبلیغ در جهان مسیحیت است. «اشیعیان بومان» در مقاله‌ای که در مجله العالم الاسلامی به چاپ رسانده می‌گوید: «هرگز اتفاق نیفتاده است که ملت مسیحی که اسلام پذیرفته است دوباره به مسیحیت بازگردد». (ثواقب، ۱۳۷۹: ۲۹۶) آنان از همین نکته احساس خطر می‌کنند، بنابراین با ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی سعی دارند زمینه تبلیغ دین اسلام را بین مسیحیان از بین ببرند، زیرا مسلمانان سرگرم منازعات درون‌گروهی می‌شوند و برای رسانیدن پیام اسلام به جامعه بشری به پا نمی‌خیزند. (شقایق، ۱۳۷۵: ۱۴۳ - ۱۴۲).

#### ۴. عدم نشر دین در جهان:

ارزش‌های مذهبی در جوامع اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و مایه همبستگی توده‌ها در برابر تهدیدهای خارجی به شمار می‌روند. نظام‌های استکباری نیز با آگاهی از این مسئله، در پی سست کردن ارزش‌های معنوی در جامعه‌های اسلامی هستند و می‌کوشند با گسترش اندیشه‌های مخالف با این ارزش‌ها، خود فراموشی دینی و تاریخی را در ذهن مردم به‌ویژه نسل جوان نهادینه کنند.

در این میان اگر مذاهب گوناگونی در جامعه باشند، باورها و اندیشه‌های گوناگونی نیز درباره ارزش‌ها مطرح می‌شود. در نتیجه، مردم و نسل جوان به تضاد فکری دچار می‌شوند. به این ترتیب جایگاه مذهب به‌عنوان راهنمای زندگی سعادت آفرین، در نظر مردم کاهش می‌یابد (صادقی، ۱۳۸۱: ۹۸) این امر باعث می‌شود تا افراد کمتری به حقایق دین مبین اسلام، ایمان آورند. دین الهی زمانی فراگیر می‌شود که پیروانش، وحدت خود را حفظ کنند. تفرقه و اختلاف مسلمانان به حیثیت جهانی دین لطمه وارد می‌کند. در چنین حالتی اسلام نه تنها گسترش نخواهد یافت چه بسا تعدادی از پیروانش را نیز از دست خواهد داد (لطیفی، ۱۳۸۸: ۲۹) افزون بر آن، اگر اختلافات میان مسلمانان اختلافات به اعمال خشونت‌آمیز هم آمیخته شود، اسلام را دینی به دور از صلح و به‌مثابه خطری علیه بشریت نمایش می‌دهد. چنین امری منجر به کاهش اقبال غیرمسلمانان به اسلام خواهد شد. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۴۶۳)

#### گفتار دوم: آسیب‌های اجتماعی

از دیگر آسیب‌های عدم تعامل مناسب با مقدسات دیگر ادیان و مذاهب، آن دسته از آسیب‌هایی است که ساحت جامعه و عموم افراد آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

### ۱. ذلت و خواری جامعه:

از مهم‌ترین آسیب‌های عدم تعامل با مقدسات در جامعه، شکست در عرصه سیاسی است. امام علی (علیه السلام) اختلاف و کینه‌توزی گروه‌ها و عدم همیاری آن‌ها را به‌عنوان یک اصل کلی (بر اساس تجربه تاریخی خویش) مانع از تداوم انقلاب و عامل شکست آن در شرایط مشابه تاریخی می‌داند: «ایم الله ما اختلف امة قط بعد نبیها الا ظهر اهل باطلها علی اهل حقها الا ما شاء الله: به خدا سوگند، میان هیچ امتی پس از پیامبرش دچار اختلاف نشدند، جز این که اهل باطل بر طرفداران حق پیروز شدند؛ مگر آنچه را که خدا خواهد». (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۶)

در سخن دیگری امام تصریح می‌کنند که قانون مذکور آن‌چنان عام و قطعی است که حق با اختلاف، شکست می‌خورد و باطل با اتحاد به پیروزی می‌رسد؛ هرچند طرفداران حق از رهبری قاطع چون علی (علیه السلام) برخوردار باشند. «و الله لا ظنّ ان هؤلاء القوم سیدالون منکم باجتماعهم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم: به خدا سوگند که گمان می‌کنم به همین زودی آن ارتش معاویه بر شما چیره می‌شوند؛ چرا که آنان در باطل خود اتحاد و همبستگی دارند و شما در حق خود دچار تفرقه و اختلاف هستید». (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۷)

### ۲. عدم سعادت و رفاه اجتماعی

از آسیب‌های عدم تعامل با ادیان و مذاهب این است که جامعه با وجود این سطح اختلاف به سعادت و رفاه دست نمی‌یابد، امام علی (علیه السلام) جامعه اسلامی را از تفرقه که هویت آن را تهدید می‌کند، سخت بر حذر می‌دارد و صریحاً اعلام می‌کند که بر اساس یک قانون عمومی، در گذشته و آینده هیچ ملتی در جهان با تفرقه و اختلاف به

سعادت و رفاه نرسیده و نخواهد رسید: «ایاکم و التَّلَوْنُ فِی دِیْنِ اللّٰهِ فَاِنَّ جَمَاعَةَ فِیْمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَیْرٌ مِنْ فِرْقَةٍ تَحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَ اِنَّ اللّٰهَ سَبْحَانَهُ لَمْ یُعْطِ اَحَدًا بِفِرْقَةٍ خَیْرًا مِّمَّنْ مَضٰی وَ لَا مِمَّنْ بَقِیَ: هشیار باشید که بوقلمون گونه در آیین خدا رنگ‌رنگ نگردید که حفظ همبستگی و اتحاد در راه حق، هرچند ناخوشایند شما باشد، از اختلاف کلمه و جدایی طلبی در مسیر باطل که مورد پسند شما است، بهتر است و به‌طور قطع خداوند در گذشته و آینده جهان هیچ ملتی را با تفرقه، سعادت و رفاه نداده و نخواهد داد.» (دستی، ۱۳۷۹: ۱۷)

### ۳. تبعید از وطن:

در جهان کنونی شواهد زیادی از این نوع آسیب که در نتیجه عدم تعامل سازنده بین مقدسات ادیان و مذاهب می‌باشد، قابل مشاهده است مهاجران روهنگیا در میانمار را می‌توان از این نمونه آسیب‌ها برشمرد که نتیجه عدم تعامل مقدسات بودیسم و اسلام می‌باشد که به متعاقب آن تبعید از وطن، آوارگی، تحمل ناملایمات طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را برای جامعه مسلمان میانمار به ارمغان آورده است در این زمینه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «تَأْمَلُوا اَمْرَهُمْ فِی حَالِ تَشْتَتِهِمْ وَ تَفَرَّقِهِمْ، لِبَالِی کَانَتِ الْاِکَاسِرَةُ وَ الْقِیَاصَةُ اَرِبَابًا لِهِمْ یَحْتَازُوْنَهُمْ عَنِ رِیْفِ الْاِفَاقِ...: در احوال آن‌ها روزگاری که از هم پراکنده بودند، اندیشه کنید؛ زمانی که پادشاهان کسری و قیصر بر آنان حکومت می‌کردند و آن‌ها را از سرزمین‌های آباد از کناره‌های دجله و فرات و از محیط‌های سرسبز و خرم دور کردند و به صحراهای کم گیاه و بی‌آب و علف محل وزش بادها و سرزمین‌هایی که زندگی در آنجا مشکل بود، تبعید کردند. آنان را در مکانه‌ای نامناسب، مسکین و فقیر، هم‌نشین شتران ساختند، خانه‌هایشان پست‌ترین خانه

ملت‌ها و سرزمین زندگی‌شان، خشک‌ترین بیابان‌ها بود. نه دعوت حقی وجود داشت که به آن روی آورند و پناهنده شوند و نه سایه محبتی وجود داشت که در عزت آن زندگی کنند. حالات آنان دگرگون و قدرت آنان پراکنده و جمعیت انبوهشان متفرق بود». (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۹۲)

#### ۴. خصومت و چند دستگی:

آسیب دیگری که بسیار رواج دارد و نتیجه عدم تعامل است عبارت است از میان رفتن محبت‌ها، دوستی‌ها و جایگزین شدن دشمنی‌ها و خصومت‌هاست که خود عامل چند دستگی و اضمحلال است.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «فانظروا الی ما صاروا الیه فی آخر امورهم حین وقعت الفرقة و تشتت الالفة و اختلفت الکلمة و الافتده و تشعبوا مختلفین و تفرقوا متحاربین: پس به پایان کار آن‌ها بنگرید. در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند، مهربانی و دوستی آن‌ها از بین رفت و سخن‌ها و دل‌هایشان گوناگون شد. از هم جدا شدند و به حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند». (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۹۲)

#### ۵. نابودی امت اسلامی:

در صورت نبود تعامل بین مقدسات مذاهب اسلامی، امت اسلامی از بین می‌رود و در ملل دیگر هضم می‌گردد و آبرو و عظمت خود را از دست می‌دهد چنانکه جنگ‌های کنونی در جهان اسلام این آسیب را بیش از پیش به ما گوش زد می‌نماید؛ لذا خداوند می‌فرماید: (أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَنفِشُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ)؛ (انفال: ۴۶) «خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید،



که سست می شوید و آبرویتان [از میان] می رود. صبر کنید که خدا بی گمان با صابران است.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «از هر گونه اختلاف پرهیزید که چون موربانه، خوب و بد را باهم نابود می کند. (وحدت از دیدگاه امام خمینی، ۱۳۹۵: ۳۹۱)

#### ۶. انحطاط تمدن و جامعه:

از جمله عواملی که برای انحطاط تمدن‌ها و حتی سقوط تمدن‌ها بر شمرده‌اند، فقدان وحدت و انسجام جامعه است. (ولایتی، ۱۳۸۴: ۲۰) وحدت و انسجام خود نتیجه تعامل سازنده میان ادیان و مذاهب است که شاخصه اصلی آن در تعامل با مقدسات خود را نشان می دهد، اختلاف سلیقه و تفاوت افکار در مسائل اجتماعی ریشه در وجود انسان دارد، چراکه انسان‌ها دارای فکر و شعورند و هر یک به گونه‌ای خاص می اندیشند. در این صورت طبیعی است که مسائل اختلافی بروز کند؛ زیرا هر کس طبق درک و برداشت خویش عمل می کند. بنابراین نمی توان گفت: چرا اختلاف به وجود می آید؟ بلکه باید گفت: چگونه می توان این اختلاف‌ها را از میان برد یا کاهش داد و مسائل و مواضع اختلافی را به وحدت و یگانگی تبدیل کرد؟ (مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۸: ۱۵۴)

امام علی علیه السلام، در کتاب شریف نهج البلاغه سه مقطع تاریخی را ترسیم می کند که فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام بر اثر اختلافات میان خود دچار اضمحلال شدند. کسراهای ایران و از سوی دیگر قیصرهای روم، بر امامزادگان حکومت کردند و آنان را به بردگی و گدایی کشاندند. مناطق سرسبز و خرم را از تصرف آنان خارج کردند و سرزمین‌های خوش آب و هوا را از دست آنان گرفتند و آنان را به مناطق بد

آب‌وهوا تبعید کرده، در آنجا اسکان دادند و معادن و منابع و ذخایر آنان را غارت نمودند. آنگاه حضرت می‌فرماید: مبدا فراموش کنید که چرا پیامبر زادگان ابراهیم علیه‌السلام به گدایی افتادند و اصحاب دبر و وبر شدند. آنچه مایه ذلت این سلسله گشت، چیزی جز «ترک دین» و «دامن زدن به اختلاف» نبود. بنابراین، برای این که به آن مقطع ذلت‌بار بازنگردید، اولاً دین‌دار و دین‌باور باشید و ثانیاً هماهنگ و متحد. ( بندعلی، ۱۳۸۶: ۱۲۳ - ۱۲۰)

حقیقت این است که نقش همگرایی و اتحاد برگرد هر محور و مدار و بر اساس هر انگیزه خواه ملی، منطقه‌ای، نژادی و... به‌ویژه با پایه ایمان آگاهانه و آزادمنشانه به یک مکتب توحیدی و مترقی، همانند نقش حیات‌بخش روح برای بدن است. هم چنان‌که از بین رفتن همگرایی و تفاهم و همبستگی نیز به‌منزله خروج روح از پیکر می‌باشد.

هنگامی که روح همگرایی و برادری از میان رفت، و میکرب اختلاف و تفرقه و پراکندگی میدان‌دار شد و بسط یافت، و نیروهای کارساز و فعال آن جامعه و تمدن رو درروی هم قرار گرفتند و به خشی کردن یکدیگر مشغول شدند، چنین جامعه‌ای جز شکست، عقب‌ماندگی و سقوط چه سرنوشت دیگری ندارد. آری، چنین جامعه و تمدنی جز یکی از این سه سرنوشت سیاه را نباید انتظار کشد:

۱. یا به‌کلی متلاشی می‌گردد و در برابر یک فشار و یک حمله بیگانه درهم‌شکسته می‌شود هم چنان‌که جامعه مسلمانان در برابر حمله مغول و یا استعمار متلاشی شد.
۲. یا در فرهنگ و اندیشه و آرمان مهاجم، ذوب‌شده و هضم می‌گردد و اصالت، حیثیت، موجودیت، و هویت خویش را از دست می‌دهد.

۳. و یا با غلبه ظالمانه و دیکتاتورمنشانه، مستبدترین‌ها در جنگ قدرت بر رقبای خود، از درون همان جامعه آفت‌زده، یک جامعه علیل و استبدادگر جدیدی ظهور می‌کند. ( کرمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۳۷۱)

#### ۷. زوال عزت اسلامی:

عزت اسلامی برای مسلمانان در نتیجه تعامل با یکدیگر به دست می‌آید و بی‌شک اگر این تعامل وجود داشت اکنون جهان اسلام قدرتی فراتر از قدرت‌های سیاسی غرب را دارا بود اما به علت نبود تعامل بین مذاهب اسلامی اکنون این عزت در معرض خطر است درحالی‌که اساسی‌ترین مقوله سیاسی در نظام معرفتی سیاسی اسلام، مفهوم عزت است. (حسنی، ۱۳۸۷: ۴۷) قرآن کریم آشکارا، تنازع و اختلاف را نکوهش می‌کند و فلسفه آن را نیز از بین رفتن عزت و شکوه جامعه می‌داند: ( محمدی گیلانی، ۱۳۷۵: ۲۲) «واطيعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب بحکم و اصبروا ان الله مع الصابرين». (انفال: ۴۶) «و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است»

روشن است که هر کس نتواند عظمت خود را حفظ نماید، دچار ذلت خواهد شد. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ۲۰۹) به‌عنوان نمونه می‌توان به قوم بنی‌اسرائیل اشاره کرد که در اثر اختلاف و تفرقه دچار ذلت (آل عمران: ۱۱۲) ابدی شدند. (واعظ زاده خراسانی، ۱۴۱۸: ۶۰)

اختلاف و تفرقه و یا حتی قطع پیوندهای اجتماعی میان پیروان مذاهب اسلامی، چیزی جز ضعف و درنهایت زبونی و ذلت آن در پی نخواهد داشت. (حسینی، ۱۳۸۳:

۳۴۳) زیرا اختلاف، نیروها را هدر می‌دهد. (حکیم، ۱۴۱۸: ۱۱۲) در نتیجه اجتماع ضعیف شده و دلیل کردن چنین اجتماعی نیز به‌سادگی امکان‌پذیر است. (واعظ زاده خراسانی، ۱۴۱۸: ۵۶)

به دیگر بیان، نتیجه تلاش اختلاف‌کنندگان، دو چیز است: از بین بردن قدرت طرف مقابل و به کار گرفتن توان خود برای مقابله با طرف مخالف. بنابراین اختلاف گران بر نابودی برای قدرت یکدیگر اتفاق دارند. (بندعلی، ۱۳۸۶: ۱۱۹) نتیجه چنین نفاق و پراکندگی، ذلت و خواری است راز خفت و ذلت هر ملت و جامعه‌ای را باید در اختلاف و پراکندگی آن جست‌وجو کرد. (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۳۷۳) بنابراین اجتماع مسلمانان باید از هر اختلافی به دور باشد تا عزت آن برقرار بماند و هیچ بیگانه‌ای امکان دست‌اندازی به آن را نداشته باشد. (اسفندیاری، ۱۳۷۵: ۱۰۹)

#### ۸. تکفیر

مهم‌ترین آسیب اجتماعی عدم تعامل با مقدسات دیگر ادیان و مذاهب در دوران‌های مختلف به‌ویژه در عصر کنونی تکفیر می‌باشد که خود باعث شکل‌گیری آسیب‌های دیگری همچون کشتار و ناامنی می‌گردد، تکفیر در لغت از ریشه کفر به معنی ستر و پوشانیدن است و از این‌رو، به غیر مؤمن کافر گفته می‌شود؛ زیرا او حق را پوشانیده است. همچنین به معنی پوشش رزمنده در زره و لباس جنگی نیز می‌باشد. به کفارات هم از آن‌رو کفاره گفته شده است که با انجام دادن آن گناهان پوشیده می‌شوند. (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱۴۴/۵)

ابن فارس نیز در کتاب خود تکفیر را به معنای پوشاندن معنا نموده است چنانکه به کشاورز، کافر می‌گویند زیرا دانه را به‌وسیله خاک می‌پوشاند و در آن پنهان می‌کند.

(ابن فارس، ۱۴۰۴: ذیل واژه «حبط» و «کفر») خداوند متعال می‌فرماید: «كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ» (حدید: ۲۰) در مثل مانند بارانی است که رویش آن برزگر را به تعجب وامی‌دارد.

در اصطلاح تکفیر در منابع اسلامی از کفر که ریشه تکفیر می‌باشد تعاریف متعددی شده است، از جمله:

۱. ابن حجر عسقلانی می‌گوید: الكفر فی الشرع هو جحد المعلوم من دین الاسلام بالضرورة الشرعية. (عسقلانی، ۱۴۲۴: ۴۶۶/۱۰) کفر در شرع به معنای انکار چیزی است که از دین اسلام به ضرورت شرعی معلوم است.

۲. ابن تیمیه می‌گوید: «الكفر فی اصطلاح الشرع ضدّ الايمان» (ابن تیمیه، ۱۴۲۰: ۶۳۹/۷)؛ کفر در اصطلاح شرع ضد ایمان است.

۳. استاد حسن هضیبی می‌گوید: الكفر فی الشرع هو صفة من جحد شيئاً مما افترض الله تعالى الايمان به بعد قیام الحجة و بلوغ الحق. (هضیبی، ۱۳۹۸: ۶۱) کفر در شرع، صفت کسی است که انکار کرده چیزی را که خداوند متعال ایمان بر آن را واجب کرده بعد از قیام حجت و رسیدن حق.

۴. ابن الوزیر می‌گوید: انّ اصل الكفر هو التکذیب المتعمد لشيء من كتب الله تعالى المعلومة او لأحد من رسله عليهم السلام او لشيء مما جاؤا به، اذا كان ذلك الأمر المكذب به معلوماً بالضرورة من الدين. (یمانی، ۱۳۱۸: ۴۱۵) همانا اصل کفر به معنای تکذیب عمدی چیزی است از کتابهای خداوند متعال که معلوم است، یا برای یکی از رسولان: او یا برای چیزی از آنچه آورده‌اند، در صورتی که آن امر تکذیب شده به ضرورت از دین معلوم باشد.

۵. قاضی ایچی می‌گوید: کفر خلاف ایمان است و آن نزد ما عبارت است از تصدیق نکردن پیامبر در برخی از اموری که علم حاصل شده که از جانب پیامبر رسیده است. (ایچی، ۱۴۱۲: ۳۸۸)
۶. ابن میثم بحرانی می‌گوید: کفر عبارت است از انکار صدق پیامبر و انکار چیزی که علم داریم از جانب پیامبر رسیده است. (بحرانی، ۱۳۶۳: ۱۷۱)
۷. فاضل مقداد نیز می‌گوید: کفر در اصطلاح عبارت است از انکار چیزی که علم ضروری حاصل شده که از جانب پیامبر است. (حسینی، ۱۴۱۷: ۴۴۳)
۸. سید یزدی به اموری که رسول خدا به آن خبر داده اشاره کرده، می‌فرماید: کافر کسی است که منکر الوهیت یا توحید یا رسالت یا یکی از ضروریات دین شود، با توجه به اینکه ضروری است، به طوری که انکارش به انکار رسالت منجر شود. (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۴: مبحث النجاسات)
- با توجه به دیدگاه علمای اسلامی می‌توان گفت که کفر یعنی: ایمان نیاوردن به چیزی که از شأنش ایمان آوردن به آن است، مثل عدم ایمان به خدا و توحید و نبوت پیامبر اسلام و روز قیامت.
- اصطلاح «تکفیر» که در واقع دربردارنده ی معنی کفر نیز هست، در کلام و فقه به معنای کافر خواندن کسی و نسبت کفر دادن به یک مسلمان است. (فیومی، ۱۴۰۵: ذیل «کفر»):.

نمونه هایی از تکفیر در تاریخ اسلام:

۱: حکم به تکفیر مسلمین:

محمد بن عبدالوهاب ناشر مجدد افکار ابن تیمیه می گوید: وَإِنَّ قَصْدَهُمُ الْمَلَائِكَةَ وَالْأَنْبِيَاءَ وَالْأَوْلِيَاءَ، يَرِيدُونَ شَفَاعَتَهُمْ وَالتَّقَرُّبَ إِلَى اللَّهِ بِذَلِكَ، هُوَ الَّذِي أَحَلَّ دَمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ (ابن عبدالوهاب، ۱۹۷۶: ۱۱۵/۶)؛ همانا هدف آنان وسیله تقرب به خداوند و شفیع قرار دادن پیامبران و صالحان است، به همین جهت خونشان حلال و قتلشان جایز است.

تا آن جا که می گوید: إِنَّ هَذَا الَّذِي يَسْمِيهِ الْمُشْرِكُونَ فِي زَمَانِنَا (كَبِيرُ الْعِتْقَادِ) هُوَ الشِّرْكَ الَّذِي نَزَلَ فِيهِ الْقُرْآنُ وَقَاتَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النَّاسَ عَلَيْهِ. فَاعْلَمُ أَنَّ الشِّرْكَ الْأَوَّلِينَ أَخْفَ مِنْ شِرْكَ أَهْلِ زَمَانِنَا بِأَمْرَيْنِ: أَحَدُهُمَا: أَنَّ الْأَوَّلِينَ لَا يَشْرِكُونَ وَلَا يَدْعُونَ الْمَلَائِكَةَ وَالْأَوْلِيَاءَ وَالْأَوْثَانَ مَعَ اللَّهِ إِلَّا فِي الرِّخَاءِ، وَأَمَّا فِي الشَّدَةِ فَيُخَلِّصُونَ لِلَّهِ الدُّعَاءَ... الْأَمْرُ الثَّانِي: أَنَّ الْأَوَّلِينَ يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ أَنْاسًا مَقْرَبِينَ عِنْدَ اللَّهِ، إِمَّا أَنْبِيَاءَ وَإِمَّا أَوْلِيَاءَ، وَإِمَّا مَلَائِكَةَ، أَوْ يَدْعُونَ أَشْجَارًا أَوْ أَحْجَارًا مَطِيعَةً لِلَّهِ لَيْسَتْ عَاصِيَةً. وَأَهْلُ زَمَانِنَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ أَنْاسًا مِنْ أَفْسَقِ النَّاسِ... أَنَّ الَّذِينَ قَاتَلَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَصَحَّ عَقُولًا وَأَخْفَّ شِرْكًَا مِنْ هَؤُلَاءِ (ابن عبدالوهاب، ۱۹۷۶: ۱۲۴/۶)

محمد بن عبدالوهاب می گوید: این (توسل) که مشرکان عصر ما به آن معتقدند، همان شرکی است که در قرآن آمده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای همین، با مردم جنگیده است.

باید توجه داشت که شرک مشرکان نخستین (زمان پیامبر) به دو دلیل، سبک تر از شرک مسلمانان عصر ما هست. نخست: مشرکان و بت پرستان در حال خوشی و رفاه،

ملائکه و بت‌ها را صدا می‌کردند و هنگام گرفتاری مخلصانه خدا را می‌خواندند. ولی مسلمانان مشرک در هر دو حال خوشی و ناخوشی غیر خدا را می‌خواندند.

دلیل دیگر: بت‌پرستان و مشرکان زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله افرادی را می‌خواندند (می‌پرستیدند) که نزد خداوند مقرب بودند مانند: پیامبران، اولیا، ملائکه و یا درخت و سنگ‌هایی را می‌خواندند که مطیع خدا بودند. ولی مشرکان عصر ما (یعنی مسلمانان غیر وهابی) به افرادی متوسل می‌شوند و صدا می‌زنند که فاسق‌ترین مردمند. پس با این توضیح روشن شد که مشرکان و بت‌پرستان زمان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله عقلشان سالم‌تر از عقل مشرکان عصر ما و شرکشان، سبک‌تر از شرک این‌ها بوده است.

#### ۲: اطلاق مشرک و کافر بت‌پرست بر مسلمانان

محمد بن عبدالوهاب در رساله «کشف الشبهات» بیش از ۲۴ بار، مسلمانان را مشرک خوانده و بالغ بر ۲۵ مورد مسلمانان را کافر، بت‌پرست، مرتد، منافق، منکر توحید، دشمن توحید، دشمنان خدا، مدعیان اسلام، اهل باطل، نادان و شیاطین دانسته است و هم گفته است که کافران نادان و بت‌پرستان، از این مسلمانان داناتر می‌باشند و شیطان، پیشوای ایشان و سرسلسله آن‌هاست. (ابن عبدالوهاب، ۱۴۱۸: ۷۲-۵۷)

#### ۳: حکم به کفر و ارتداد امت

سلیمان برادر محمد بن عبدالوهاب می‌نویسد: این امور (توسل به پیامبر گرامی که تو موجب شرک و کفر مسلمانان می‌دانی) پیش از احمد بن حنبل و در زمان پیشوایان اهل سنت هم مطرح بود، برخی آن را انکار می‌کردند و باینکه در سراسر بلاد اسلام مردم متوسل می‌شدند، ولی هیچ‌یک از پیشوایان، آنان را کافر و مرتد نمی‌دانستند و دستور جهاد با آن‌ها نمی‌دادند و بلاد مسلمانان را به همان‌گونه که تو می‌گویی، بلاد



شرک و یا دارالحرب (جهاد) نمی‌نامیدند؛ ولی تو کارت به‌جایی رسیده، کسانی که متوسلان به پیامبر گرامی را تکفیر نکنند نیز، کافر می‌دانی، گرچه خود به آن حضرت توسل نجویند. تو می‌پنداری که علمای اسلام اتفاق نظر دارند که واسطه قرار دادن پیامبر اکرم نزد خدا، موجب کفر می‌شود، اینک هشتصد سال از زمان ائمه چهارگانه می‌گذرد، از هیچ عالمی از علمای اسلام نقل نشده است که این امور را کفر دانسته باشد. واللّه! لازم قولکم: **إِنَّ جَمِيعَ الْأُمَّةِ بَعْدَ زَمَانِ الْإِمَامِ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ، عِلْمَاؤُهَا، وَأَمْرَاؤُهَا، وَعَامَّتُهَا، كُلُّهُمْ كَفَّارٌ، مَرْتَدُونَ...**؛ به‌خدا سوگند، لازمه سخن تو این است که تمام امت بعد از زمان احمد بن حنبل، علما، امرا و عامه مردم، همه کافر و مرتدند **«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»** و هزاران فریاد از این سخن‌های شما. و یا بر این خیال هستید - همان‌گونه که برخی از عوام شما به زبان می‌آورد: **إِنَّ الْحِجَّةَ مَا قَامَتْ إِلَّا بِكُمْ، وَإِلَّا قَبْلَكُمْ لِمَ يَعْرِفُ دِينَ الْإِسْلَامِ؟** پیش از شما کسی دین اسلام را نشناخته است و اسلام راستین توسط شما معرفی می‌شود. (تمیمی نجدی، ۱۹۹۸: ۳۸)

## ۹. کشتار

عدم تعامل در مقدسات مذاهب اسلامی سبب پراکندگی میان امت اسلامی شد. در برخی موارد، بر اثر جهالت و نادانی یا تبلیغ‌های نادرست، این پراکندگی تا جایی پیش رفت که گاه ریختن خون‌های پاک مسلمانان تجویز شد. مسلمانان جان و مال یکدیگر را حلال دانستند و حتی به‌اندازه‌ای دشمنی‌ها بالا گرفت که با برادران دینی‌شان به جنگ و ستیز پرداختند. (عبداللطیف سجادی، ۱۳۸۶: ۱۲۶) گروهی که در این زمینه بسیار پیشرو است وهابیت نام دارد. وهابیت از دل عقیده سلفیه ظهور کرد. سلفیه پدیده‌ای ناخواسته و نسبتاً نو خواسته است که انحصارطلبانه، مدعی مسلمانی است و

همه را جز خود کافر می‌داند. فرقه‌ای که مدعی است هیچ مذهبی وجود ندارد و باید به عصر سلف یعنی دوران صحابه و تابعین بازگشت. بنابراین شمشیر تکفیر را کشیده و با حذف دیگران از جامعه اسلامی و راندن آنان به جمع کفار به راحتی خون دیگر مسلمانان را می‌ریزند و آنان را به پیکار می‌کشند. (رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۰) این در حالی است که آیات و روایات فراوانی مبنی بر منع ترور و قتل مسلمان داریم که هیچ‌گونه تردیدی درباره تحریم دینی این اعمال باقی نمی‌گذارد. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جميعاً...» «هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته است» منع ترور و کشتار حتی برای خودکشی معتبر است. با این حال گروه‌های افراطی و انحرافی در جهان اسلام با عملیات انتحاری و با بمب گذاری‌ها، انسان‌های بی‌گناه را با استناد به آیات قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله، به کام مرگ می‌برند. (یزدانی، ۱۳۸۶: ۸۱ - ۷۸)

طبیعی است که اگر میان مسلمانان به این اندازه اختلاف نبود هرگز هیچ گروهی نمی‌توانست به نام اسلام و برای مبارزه با گروهی خاص و طرفداری از گروهی دیگر به جان مسلمین دست اندازی کند.

#### ۱۰: ناامنی

از آسیب‌های عدم تعامل بین مقدسات ادیان و مذاهب رواج ناامنی در جامعه است، اسلام، امنیت را یکی از اصول زندگی و حالتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی جمعی و عنصری ضروری در بهره‌وری از مزایا و مواهب حیات و نیز زمینه‌ساز تکامل و ارتقاء

بشر تلقی کرده است و از آن به عنوان یکی از مقدس‌ترین آرمان‌های بشری و الهی یاد نموده است. (طبیعی، ۱۳۷۹: ۱۳)

یکی از نیازهای مهم انسان، نیاز به امنیت روحی و روانی است. زیرا تنها در صورت فراهم بودن آن، می‌توان به حفظ حرمت اشخاص، احساس وظیفه در برابر مسایل اجتماعی، وجود محبت متقابل و احساس تعلق خاطر به دیگران، امیدوار بود. احساس امنیت در دنیای جدید یکی از انگیزه‌های مهم انسان‌ها در ساماندهی زندگی به شمار می‌آید. انسان امروزی بیش از گذشته به آرامش روانی نیاز دارد، زیرا تنها در پرتو آن می‌تواند به پویای سالم خویش ادامه دهد. (صادقی، ۱۳۸۱: ۱۱۲)

می‌توان به یقین گفت که عدم تعامل با مقدسات دیگران یکی از عوامل بروز ناامنی در جامعه است. اگر این عدم تعامل به درگیری و خشونت بیانجامد یقیناً به ناامنی دامن می‌زند.

### گفتار سوم: آسیب‌های اخلاقی

از آسیب‌های عدم تعامل با مقدسات ادیان و مذاهب دیگر، این است که عدم تعامل گاه سبب سقوط در ورطه گناهان شده و جامعه نیز تبدیل به یک جامعه بی‌اخلاق خواهد شد. برخی از آسیب‌های اخلاقی که زائیده این عدم تعامل هستند، عبارت‌اند از:

#### ۱. عدم محبت بین پیروان مذاهب و ادیان

از مهم‌ترین آسیب‌های اخلاقی که نتیجه عدم تعامل با مقدسات دیگر ادیان و مذاهب است می‌توان به عدم محبت بین پیروان مذاهب و ادیان با یکدیگر دانست؛ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ

السَّرائِرِ و سَوْءُ الضَّمائِرِ فَلَا تَوَازَرُونَ وَ لَا تَنَاصِحُونَ، وَ لَا تَبَازِلُونَ وَ لَا تَوَادُّونَ؛ (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۱۳) شما بر اساس دین خدا برادران یکدیگرید. چیزی جز آلودگی درون‌ها و بدی نیت‌ها شما را از هم جدا نکرده است، به همین دلیل نه یکدیگر را یاری می‌دهید، و نه خیرخواه یکدیگرید و نه چیزی به یکدیگر می‌بخشید، و نه به یکدیگر دوستی می‌ورزید.

## ۲. تعصبات نا به جا

تعصبات نا به جا نیز زائیده عدم تعامل با مذهب و ادیان دیگر است، تعصبات قبیله‌ای نوع خاصی از تعصب بود که در میان اعراب به شدت رایج بود و همین مسئله قبل از اسلام نیز همواره باعث جنگ و خونریزی می‌گشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که تعصب بورزد یا نسبت به وی تعصب بورزند، حلقه ایمان را از گردن خویش باز کرده است». (کلینی، ۱۳۶۵: ۳/۲)

این روایت حاوی نکات بسیاری است که تقدیم حضور می‌کنم:

۱. تعصب یعنی اصرار و پافشاری بدون دلیل و استدلال برای انجام یا ترک موضوعی که منشأ آن جهل و نادانی است.

۲. کسی که متعصب است و به عقل و استدلال توجه نمی‌کند در واقع ایمان ندارد. زیرا ایمان ریشه در عقلانیت و آگاهی دارد. مسلمان تا زمانی که در

دایره تعصب و جهل گرفتار است مزه و حقیقت ایمان را نخواهد چشید.

مسلمان و مؤمن مکلف به حرکت و تلاشی است که ریشه در عقلانیت و تدبیر دارد و از همه راه‌های رسیدن به علم و پژوهش استفاده می‌کند و بدون پشتوانه علمی حرکتی را آغاز نمی‌کند.

۳. تعصب؛ آغاز تفرقه و پایان همدلی و اتحاد است. اگر به حرف و استدلال اهل نظر توجه نشود و در تصمیم‌گیری‌ها از آنان و فکرشان استفاده نشود، قطعاً وحدت و همدلی حاصل نخواهد شد و این ضایعه بزرگی خواهد بود.
- در تاریخ افرادی که به وسیله اطرافیان منحرف شدند کم نیستند. اگر آنانی که ادعای مهدویت کردند، افراد جاهل‌تر از خودشان آنان را تصدیق نمی‌کردند، به گمراهی‌های بزرگ نمی‌افتادند.
- پس تعصب یعنی اصرار بر جهل و عدم توجه به منطوق و استدلال. که مایل سقوط فرد و جامعه خواهد بود. خواه این تعصب مذهبی باشد یا قومی، سیاسی، حزبی و... .
- امام علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «هیچ‌کس را نیافتم که بدون علت درباره چیزی تعصب بورزد، جز با دلیلی که با آن ناآگاهان را بفریبد ... جز شما! زیرا درباره چیزی تعصب می‌ورزید که نه علتی دارد و نه سببی ... پس اگر در تعصب ورزیدن ناچارید برای اخلاق پسندیده .... تعصب داشته باشید ...» (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۹۲)
- در این روایت چند نکته حائز اهمیت است:
۱. عده‌ای خود را به تعصب می‌زنند تا بتوانند آدم‌های جاهل و نادان را بفریبند و از این طریق افکار شیطانی خود را عملی کنند.
  ۲. عده‌ای بی‌دلیل متعصب‌اند. که اینان بی‌هدف، بلکه بازیچه دیگران قرار می‌گیرند. اما امید نجات دارند، زیرا بر تعصب خودآگاه نیستند و قصد انحراف دیگران را هم ندارند .
  ۳. تعصب در امور خیر و اخلاق پسندیده، خوب و جایز است. در واقع همان مطلبی که به‌عنوان عرق دینی و ملی از آن یاد می‌کنیم .

بنابراین، تعصب در نوع سوم به معنی غیرت است که پسندیده و شایسته است و همراه با شعور و آگاهی است. در تاریخ اسلام نیز همین تعصبات قبیله‌ای از عوامل شکل‌گیری تفرق در بین امت اسلامی شد.

### ۳. سوء ظن

آسیب اخلاقی دیگری که نتیجه عدم تعامل با مقدسات ادیان و مذاهب است عبارت است از دشمنی‌های ناصحیحی که از اختلاف‌های نامقدس و سوء ظن به طرف مقابل سرچشمه می‌گیرد. انسان اگر واقعاً از چیزی یا کسی بدش بیاید و با او دشمنی داشته باشد، زیبایی‌ها و نقاط قوتش را نمی‌بیند. (بند علی، ۱۳۸۶: ۱۳۱) بنابراین همواره نسبت به او سوء ظن دارد.

### ۴. دشنام

این دسته از آسیب‌های اخلاقی بسیار فراگیر هستند که در اثر عدم تعامل با مقدسات یکدیگر بسیار رواج دارند، درحالی‌که نسبت‌های ناروا و زشت به یکدیگر دادن و کلمات ناپسندی چون: خائن، فاسق، فاجر، ملعون و بالاتر از این‌ها کلماتی مانند مشرک، کافر و... که در بردارنده تحقیر مسلمانان باشد، حرام است و در روایات به شدت از آن‌ها نهی شده است، (همتی، ۱۳۶۷: ۲۹۳) باوجوداین، به هنگام بروز اختلاف و عدم تعامل میان مسلمانان به‌کارگیری از گونه واژگان امری رایج میان آن‌ها گردیده است.

### ۵. قطع رحم

در جوامع مختلف اسلامی در اثر پذیرش یک مذهب توسط فرد شاهد طرد وی از سوی خانواده و بستگان هستیم این آسیب نیز در اثر عدم تعامل بین مقدسات پیش

می آید و افراد زیادی را گرفتار نموده است در این زمینه امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «کسانی که به کشمکش و دشمنی پردازند، رشته الفت آنان بریده می شود و تلخی سرانجام نکبت بار خود را می چشند». (مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۶: ۱۴۷).

#### ۶. تهمت

در اسلام به شدت از تهمت نهی شده است و جزو گناهان کبیره به شمار می آید و اتهام به بی دینی بدترین نوع تهمت است. (همتی، ۱۳۶۷: ۲۹۸) روشن است که یکی از نتایج عدم تعامل در مقدسات میان مسلمانان یا پیروان هر دین دیگری رواج تهمت های فراوان به گروه های مختلف است. اختلاف شیعه به اعتقاد داشتن به تحریف قرآن و یا اتهام به مشرک بودن شیعیان بر اثر زیارت اهل قبور و ... از جمله این اتهامات است.

#### ۷. خودپسندی و تکبر

یکی از آسیب های اخلاقی که در اثر عدم تعامل بروز می کند خودپسندی است. زیرا در اثر عدم تعامل سازنده و صحیح فرد سعی می کند عقاید خود را ثابت کند، دچار خودپسندی می شود و چنانچه که قرآن کریم می فرماید: «فتقطعوا امرهم بینهم زیرا کل حزب بما لديهم فرحون». (مومنون: ۵۳) «اما آنها کارهای خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند، و هر گروهی به راهی رفتند. هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحال اند!»

تکبر نیز که ناشی از افراط در خودخواهی و خوددوستی است، در پی عدم تعامل میان مسلمانان می تواند به وجود آید. این صفت مذموم یکی از بزرگ ترین رذایل اخلاقی است که منشأ بسیاری از بلاهای فردی و اجتماعی می شود. آنگاه که فرد در اثر اختلاف دچار خودپسندی شود، تکبر او را احاطه می کند تا آنجا که از هرگونه پیشرفت

و اصلاحی باز می‌ماند. زیرا متکبر از دیدن نقایص و عیوب خود ناتوان است. (ارفع، ۱۳۷۵: ۵۰).

### گفتار چهارم: آسیب‌های معنوی و اخروی

اختلاف نتیجه عدم تعامل با یکدیگر است به‌ویژه وقتی این عدم تعامل به مقدسات مربوط می‌شود اختلاف نیز شدیدتر می‌گردد، خداوند متعال در موارد متعددی نسبت به بروز اختلاف میان مردم، هشدار می‌دهد. در آیات و روایات به‌صورت مستقیم به عذاب‌هایی که در اثر اختلاف نازل می‌شود، اشاره شده است. اختلاف و تفرقه میان جوامع به‌قدری ویرانگر است که در قرآن در ردیف عذاب‌های آسمانی، صاعقه‌ها و زلزله‌ها قرار گرفته است. (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۳۷۹)

#### ۱. محرومیت از خیر و نعمت‌های خداوند

از آسیب‌های معنوی‌ای که در اثر عدم تعامل با مقدسات ادیان و مذاهب به وجود می‌آید بحث محرومیت از خیر خداوند است چنانکه امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «و إن الله سبحانه لم يعط أحداً بفرقةٍ خيراً ممن مضى و لا ممن بقى»: (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۷۶) خدای سبحان به هیچ‌کس از کسانی که در گذشته‌اند، و کسانی که باقی مانده‌اند، از راه تفرقه خیری نرسانده است.

نعمت‌های متعدد و فراوانی که به دلیل وحدت از جانب خداوند ارزانی شده بود، در اثر جدایی و اختلاف از جوامع سلب گردید: «...و سلبهم غصارة نعمته: و نعمت‌های فراوان شیرین را از آن‌ها گرفت». (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۹۲)

اختلاف موجب جدایی جامعه از نعمت کرامت الهی می‌شود: «...قد خلع الله عنهم لباس کرامته: خداوند لباس کرامت خود را از نشان بیرون آورد». (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۹۲).



## ۲. تفرقه (عدم تعامل)، سبب نزول عذاب

تفرقه نتیجه عدم تعامل است، قرآن تفرقه و اختلاف را در ردیف عذاب‌های آسمانی عنوان کرده و می‌فرماید: (قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ)؛ (انعام: ۶۵) «بگو: خداوند قادر است که از بالا یا از زیر پای شما عذابی بر شما بفرستد، یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را به جان هم بیندازد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز فرموده است: «الاجتماع لأمتی رحمة والفرقة عذاب؛ (شوشتری، ۱۳۶۷: ۷۷) اجتماع (وحدت) برای اتم مایه رحمت است، و تفرقه موجب عذاب.

همچنین قرآن می‌فرماید: «و لا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئك لهم عذاب عظیم» (آل عمران: ۱۰۵) «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن‌هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آن‌ها عذاب عظیمی دارند»

این آیه، مسلمانان را از اینکه همانند اقوام پیشین، همچون یهود و نصاری، راه تفرقه و اختلاف را پیش گیرند و عذاب عظیم را برای خویش بخرند، بر حذر می‌دارد. در حقیقت آن‌ها را به مطالعه تاریخ پیشینیان و سرنوشت دردناک آن‌ها پس از اختلاف و تفرقه دعوت می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۴۲/۳)

### ۳. اختلاف (عدم تعامل) به منزله پرتگاه آتش

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳) «و همگی به ریسمان خدا جنگ زدید، و پراکنده نشوید! و نعمت خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد شاید پذیرای هدایت شوید»

بر اساس این آیه، خداوند مسلمانان را به گذشته ذلت باری که از رهگذر اختلاف و تنازع بر لب پرتگاهی از آتش بودند، به یادشان می‌آورد. (موسسه امام هادی، ۱۳۸۶: ۱۴۹)

### ۴. اختلاف نوعی عذاب

اختلاف علاوه بر آنکه سبب نزول عذاب الهی می‌شود، خود نوعی عذاب و انتقام شمرده می‌شود که خداوند تعالی بر امت‌های گمراه و منحرف فرود می‌آورد. (حکیم، ۱۴۱۳: ۱۱۱) «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (انعام: ۶۵)

«بگو او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را باهم بیامیزد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشانند.» بین چگونه آیات گوناگون را (برای آنها) بازگو می‌کنیم! شاید بفهمند.»

## نتیجه

بر اساس مباحث مطرح شده روشن گردید که عدم تعامل با مقدسات دیگر مذاهب دارای آسیب‌های مختلفی است که آسیب‌های فرهنگی عبارت بودند از فقر فرهنگی، زوال دین، یکی آسیب‌های عدم تعامل بین مذاهب اسلامی در مقدسات این است که زمینه تبلیغ حق از بین می‌رود. به هنگام تبلیغ باید مخاطب رغبت به شنیدن داشته باشد، اما وقتی که خشونت و بدرفتاری پیروان حق، دل آنان را چرکین کرده، سخن هرچقدر حق باشد در دل آنان نمی‌نشیند. به دیگر بیان، تبلیغ در چنین وضعیتی یا اساساً ناممکن است و یا در صورت وقوع بی‌اثر است و آسیب‌های اجتماعی در تعامل شامل خصومت، انحطاط جامع، زوال عزت، تکفیر، کشتار و ناامنی می‌باشد. از آسیب‌های عدم تعامل با ادیان و مذاهب این است که جامعه با وجود این سطح اختلاف به سعادت و رفاه دست نمی‌یابد، امام علی(ع) جامعه اسلامی را از تفرقه که هویت آن را تهدید می‌کند، سخت بر حذر می‌دارد و صریحاً اعلام می‌کند که بر اساس یک قانون عمومی، در گذشته و آینده هیچ ملتی در جهان با تفرقه و اختلاف به سعادت و رفاه نرسیده و نخواهد رسید. عزت اسلامی برای مسلمانان در نتیجه تعامل با یکدیگر به دست می‌آید و بی‌شک اگر این تعامل وجود داشت اکنون جهان اسلام قدرتی فراتر از قدرت‌های سیاسی غرب را دارا بود اما به علت نبود تعامل بین مذاهب اسلامی اکنون این عزت در معرض خطر است در حالی که اساسی‌ترین مقوله سیاسی در نظام معرفتی سیاسی اسلام، مفهوم عزت است. برخی از آسیب‌های اخلاقی در بحث تعامل نامناسب را می‌توان موارد ذیل دانست: دشنام، قطع رحم، سوءظن، تهمت و تکبر. تعصبات نا به‌جا نیز زائیده عدم تعامل با مذهب و ادیان دیگر است، تعصبات قبیله‌ای نوع خاصی از تعصب بود که در میان اعراب به شدت رایج بود و همین مسئله قبل از اسلام نیز همواره باعث جنگ و خونریزی می‌گشت. همچنین در متون دینی برخی از آسیب‌های معنوی و اخروی برای تعامل نامناسب برشمرده شده است که شامل محرومیت از نعمت‌های خداوند، نزول بلا و عذاب در دنیا و آخرت می‌باشد.

## منابع:

قرآن مجید

۱. ابن ابی الحدید، ابی حامد عزالدین، شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمد عبدالکریم النمری، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق
۲. ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم، مجموع فتاوا، بیروت، دار الکتب العلمیه- ۱۴۲۰ ق
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح بخاری، بیروت: دارالکتب العلمیه، چ اول ۱۴۲۴ ق.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، موسسه انتشارات علامه، قم ۱۳۷۹ ش.
۵. ابن عبدالوهاب، محمد، کشف الشبهات، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، ۱۴۱۸ ق
۶. ابن عبدالوهاب، محمد، مؤلفات الشيخ الإمام محمد بن عبدالوهاب، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ۱۹۷۶ م.
۷. ابن فارس، ابوالحسن، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز نشر، ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن منظور، جمال‌الدین، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، موسسه التاريخ العربی، ۱۴۱۶ ق.
۹. ارفع، سید کاظم، اخلاق در قرآن (ردائل)، تهران، انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۷۵ ش.

۱۰. اسفندیاری، محمد، بعد اجتماعی اسلامی، قم، انتشارات خرم، ۱۳۷۵ش.
۱۱. ایجی عبدالرحمن، شرح المواقف الشریف الرضی، قم، نسل جوان ۱۴۱۲ق.
۱۲. بحرانی، ابن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام، قم، انتشارات صدر، ۱۳۶۳ش.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۱۴. بندعلی، سعید، وحدت جوامع در نهج البلاغه، قم، اسراء، ۱۳۸۶ش.
۱۵. تمیمی نجدی، سلمیان بن عبدالوهاب، الصواعق الإلهیة فی الردّ علی الوهابیة، دمشق، ۱۹۹۸م.
۱۶. ثواقب، جهانبخش، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۱۷. حسنی، ابوالحسن، آموزه‌های سیاسی قرآن، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۷ش.
۱۸. حسینی، سید صادق، مدارای بین مذاهب، حسینی، سید صادق، مدارای بین مذاهب، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.
۱۹. حسینی، احمد وشاوشی، زهیر، ارشاد الطالبین، بیروت، المکتب الاسلامی ۱۴۱۷ق.
۲۰. حکیم، محمداقرا، الوحدة الاسلامیة من منظور الثقلین، قم، المعاویة الثقافیة للجمع العالمی لاهل البيت(ع)، ۱۴۱۳ق.
۲۱. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، نسیم حیات، چ دوم، ۱۳۷۹ش.

۲۲. رضوانی، علی‌اصغر، سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴ش.
۲۳. سجادی، عبداللطیف، اخوت و برادری در اسلام، تهران، مجمع جهانی تقریب و مذاهب اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۲۴. شوشتری، قاضی نورالله، الصوارم المهرقه، تهران، مشعر، ۱۳۶۷ش.
۲۵. صادقی، غلامحسین، تشیع و تسنن، صادقی، غلامحسین، تشیع و تسنن، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۱ش.
۲۶. طباطبائی یزدی، محمدکاظم، العروه الوثقی، چاپ دوم، بیروت موسسه اعلمی، ۱۴۰۴ق.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، دارالکتاب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۲۹. طبعی، منصور، سیمای امنیت در نهج‌البلاغه، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، دفتر سیاسی، ۱۳۷۹ش.
۳۰. فتحی شقاقی، جهاد اسلامی، امام خمینی، شیعه و سنی، مسئله فلسطین، ترجمه: هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵ش.
۳۱. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، چاپ اول، قم، دار الهجره، ۱۴۰۵ق.
۳۲. قربانی، زین‌العابدین، علل پیشرفت و انحطاط مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۳۳. قرطبی، محمد بن احمد، جامع الاحکام القرآن و المبين لما تضمن من السنه و آی الفرقان ، تحقيق هاشم بخارى ، بيروت ، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۳۴. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ ق.
۳۵. کرمی فریدنی، علی، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم، نشر نسیم انتظار، ۱۳۸۳ ش.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۳۷. گروهی از نویسندگان، ویژگی‌های سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) : مجموعه مقالات، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۶ ش
۳۸. گروهی از نویسندگان، هم‌گرایی مذهبی: مجموعه مقالات هشتمین همایش علمی - تحقیقی مذاهب اسلامی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۳۹. لطیفی پاکده، لطف علی، انسجام اسلامی: زمینه‌ها، مبانی، موانع و راهکارهای اتحاد اسلامی، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۸ ش.
۴۰. متقی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ هـ ق.
۴۱. محمدی گیلانی، محمد، قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر، نشر سایه، ۱۳۷۵ ش.

۴۲. مرکز تحقیقات اسلامی نماینده ولی فقیه در سپاه، عوامل پیروزی و شکست، ۱۳۷۸ ش.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش.
۴۴. موسسه امام هادی علیه‌السلام، اتحاد و انسجام، قم، پیام امام هادی علیه‌السلام، ۱۳۸۶ ش.
۴۵. ناصر السعید، تاریخ آل سعود، بیروت، الاتحاد، ۱۴۰۹ ق.
۴۶. واعظ زاده خراسانی، محمد، نداء الوحدة و التقريب بين المسلمين و مذاهبهم، تهران، رابطه الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۸ ق.
۴۷. وحدت از دیدگاه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۵ ش.
۴۸. ولایتی، علی‌اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴ ش.
۴۹. هضیبی، دعاء لا قضاة، دارالسلام بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۸ ق.
۵۰. همتی، همایون، نقد و تحلیلی پیرامون وهابی گری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۵۱. الهیثمی، علی بن ابوبکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دار الکتب العربی، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۲ ق.
۵۲. یزدانی، عنایت‌الله و ایزدی، هجرت، «تروریسم اسلامی؛ افسانه یا واقعیت»، مجله علوم سیاسی، سال ۱۰، شماره ۴۰ و ۳۹
۵۳. یمانی، محمد بن مرتضی، ایشار الحق علی الخلق، مشهور به ابن الوزير، چاپ الآداب و المؤید، مصر، سال ۱۳۱۸ ق.